

(مقاله پژوهشی)

مدل برنامه‌درسی معنوی: یک پژوهش اکتشافی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد

سیده مریم رئیس الاسلام زاده^۱، صمد ایزدی^۲، اصغر شریفی^۳، خدیجه ابوالمعالی^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین مقوله‌های اصلی و فرعی برنامه‌درسی معنوی به منظور ارائه مدل برنامه‌درسی معنوی با استفاده از نظریه داده بنیاد انجام شده است. داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه با ۱۴ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران برنامه‌ریزی درسی شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش که با روش نمونه‌گیری هدفمند و زنجیره‌ای (گلوله برفی) انتخاب شدند، جمع‌آوری و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تجزیه و تحلیل و بر اساس آن مدل کیفی پژوهش طراحی گردید. به منظور سنجش روایی ابزار مصاحبه از روش روایی پاسخگو و برای سنجش پایایی ابزار مصاحبه از روش دوکدگذار استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدل برنامه درسی معنوی دارای ۵ مقوله اصلی، ۲۹ مقوله فرعی و ۹۷ خرده مقوله است که در قالب مدل پارادایمی شامل شرایط علی (نظام اسلامی، انسان اشرف مخلوقات و زندگی هدفمند و معنادار)، عوامل زمینه‌ای (عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و فردی)، شرایط مداخله‌گر (موانع فرهنگی، آموزشی، نگرشی، اجتماعی، خانوادگی، ساختاری و فردی)، راهبردهای تعاملی (ایجاد شناخت، آموزش، راهبردهای ساختاری، تعقل و خردورزی، هنر و زیبایی‌شناسی و عوامل دینی و مذهبی) و پیامدهای (فرهنگی، فردی، اجتماعی، ساختاری، اخلاق، ایمان، زندگی هدفمند و معنادار، شناخت) ارائه شده است.

واژگان کلیدی: برنامه‌درسی، برنامه‌درسی معنوی، نظریه داده‌بنیاد

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۰۷/۰۵

^۱ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن. ایران
^۲ دانشیار گروه علوم تربیتی. دانشگاه مازندران ایران (نویسنده مسئول: s.i5226326@gmail.com)
^۳ استادیار گروه علوم تربیتی. واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران
^۴ دانشیار گروه روانشناسی. واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن. ایران

مقدمه

در دنیای مدرن، انسان به همان اندازه که به تکنولوژی و پیشرفت‌های مادی اهمیت داده از معنویت غافل شده و این امر باعث به وجود آمدن فرهنگ سطحی انسان و حتی خطرناک شدن دانش او گشته است. زیرا او از لحاظ تکنولوژی و صنعت بسیار قدرتمند و از نظر معنا به شدت فقیر شده است.

شواهد حاکی از آن است که انسان در سال‌های اخیر به تنها ماندن خود در دنیا و زندگی خالی از معنا و هدف خویش پی برده است. بی معنایی مسئله وجودی و اصلی زمانه ماست و باید به معنویت توجه جدی کرد (شهید مطهری، ۱۳۸۱). زندگی خالی از معنویت و عدم ارتباط با معبود هستی و در یک کلام دور ماندن از فطرت مایه عذاب انسان امروزی شده است و این عذاب و احساس تهی بودن باعث شده که انسان حتی به پست‌ترین و سطحی‌ترین ندهایی که صبغه‌ای از معنویت و آرامش دارند نیز اعتماد و تکیه کند و گم شده خویش را در آن جست‌وجو کند (میرزاخانی، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد زندگی انسان امروز تک بعدی است به نحوی که فقط بعد مادی انسان در آن مدنظر قرار گرفته و سایر ابعاد از جمله بعد معنوی مغفول مانده است.

به منظور رفع این نقیصه و پرورش همه جانبه انسان، یکی از راه‌حل‌های پیشرو اصلاح سیستم آموزشی و در رأس آن برنامه درسی است (اوجی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴). بررسی برنامه‌های درسی دوره‌های اخیر نشان می‌دهد که هرچند برنامه‌های درسی به موازات رشد تکنولوژی پیشرفت داشته‌اند، لیکن این برنامه‌ها صرفاً یک برنامه تک بعدی هستند که فقط بعد مادی انسان را پرورش داده‌اند. نبود معنویت در برنامه‌های درسی باعث شده تا انسان با بحران تربیت معنوی روبه‌رو شود. پیامد این بحران این است که یکپارچگی و وحدت و تعادل روانی انسان که از ایمان الهی و شوق دینی و احساس معنوی نشأت می‌گرفت، از میان رفته است (پروین یامچی، ۱۳۹۱: ص ۲۷).

معنویت به همان سرعتی که در طول چند قرن اخیر از اذهان روشنفکران و اندیشمندان غربی رخت بر بسته بود، به همان سرعت نیز در حال بازگشت است. گرایش به معنویت به عنوان گرایشی نو، در عرصه‌های تربیتی و فرهنگی مغرب زمین بیش از عرصه‌های دیگر به چشم می‌خورد. جنبش معنویت‌گرایی نتیجه توجه زیاد به معنویت به شمار می‌رود. جنبش معنویت‌گرایی یک جنبش فکری رو به رشد است که عرصه‌های مختلف زندگی را تحت تأثیر قرار داده است. از جمله این عرصه‌ها، آموزش و پرورش است. به گونه‌ای که برخی بر این باورند که باید معنویت را بخش مهمی از برنامه‌های آموزشی و درسی به حساب آورد (وو، تسنگ و لیائو، ۲۰۱۶). آینون و آبنوف دو حیطة " برنامه درسی " و " تدریس " را بستر مناسب برای پیاده کردن اندیشه‌های معنوی می‌دانند و اصطلاح برنامه درسی معنوی را مکملی برای برنامه‌های درسی تلقی می‌کنند (حسینی، صالحی و رضایی، ۱۳۹۵). نکته مهم این است که هدف از تدریس در کنار معنویت، آموزش افرادی است که علاوه بر منطق و استدلال، احساس عمیق و پرباری دارند. آموزش معنویت نوعی تعلیم است که درصدد دستیابی به سطح بالاتری از آگاهی و معناداری زندگی است که فارغ از محتوای آموزش، بیداری معنوی را به دنبال دارد. ویلبر معتقد است که برای ارتقا همزمان رشد عقلانی، اخلاقی و جسمی باید به سطح معنوی و آگاهی بیشتر توجه شود. وی معتقد است گنجاندن معنویت در برنامه‌درسی، به عنوان پایه و اساس سیستم آموزشی، می‌تواند فرصت‌های مناسبی را برای پرورش و تقویت فلسفه وجود افراد فراهم کند. این امر با ترکیب علم و معنویت در قالب برنامه‌ریزی برای " بینش معنوی " انجام می‌شود (نصرالهی، اسکندری، رضائی، حاجی رحیمیان، ۲۰۲۰).

امروزه سازمان‌های آموزشی بالاخص مدارس یکی از ارکان مهم اجتماع در ایجاد نگرش‌ها، ارزش‌ها، باورها و مهارت‌ها و به طور کلی تربیت ابعاد انسان هستند و این امری بدیهی و انکارناپذیر است. به دلیل نهادینه شدن و پذیرش این نهادها از طرف خانواده برای تربیت فرزندان خویش و از طرف جامعه برای تربیت انسان‌های اجتماعی و شهروندان، این نهادها از ظرفیت بالایی در امر تربیت برخوردارند (ونسرو و همکاران، ۲۰۰۵). یکی از مشکلات و مسائل پیچیده و دشوار در آموزش و پرورش، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به معنویت است. چرا که روح و معنویت آن طور که بایسته و شایسته است، به عنوان راهکار ساماندهی مدارس در نظر گرفته نمی‌شود. موضوعاتی چون معنویت، عشق، هنر و زیبایی‌شناختی، اخلاق

و پرورش روح در برنامه‌های درسی از اهمیتی کمتر از ریاضی، فیزیک، شیمی و تاریخ برخوردار نیستند. از این رو برنامه‌درسی به عنوان الگو و چارچوب فعالیت‌های مدارس، دارای تأثیر فراوانی در تربیت افراد جامعه است و نقشی محوری و کلیدی ایفا می‌کند، به طوری که می‌توان گفت عمده تربیت نسل امروزی در جوامع مختلف توسط مدارس و به تبع آن برنامه‌درسی انجام می‌گیرد (ایزدی، قادری و حسینی، ۱۳۹۳).

معنویت به عنوان یکی از ابعاد ذاتی و وجودی انسان همانند سایر ابعاد شناختی^۵، عاطفی^۶ و روانی- حرکتی، موضوعی تربیتی می‌باشد. معنویت‌گرایی به عنوان یکی از نیازهای اساسی آموزش و پرورش و عامل اساسی در رشد زندگی معنوی انسان، کانون توجه روزافزون متخصصان برنامه درسی، روانشناسان و فلاسفه بوده است. به طوری که لحاظ نکردن آن را بی‌اعتنایی به عناصر اصلی آموزش و یادگیری می‌دانند و بر این باورند که باید معنویت را بخش مهمی از برنامه‌های آموزشی به حساب آورد (قاسم‌پور دهاقانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰). این موضوع بدان جهت حائز اهمیت است که امروزه برای آموزش برخی تخصص‌ها که به گونه‌ای با انسان‌ها ارتباط دارند، مقوله معنویت امری کلیدی است و به رشد و پرورش قوه معنویت در وجود مدیران، پرستاران، معلمان، روانشناسان، مشاوران و حقوق‌دانان توجه شده است. این افراد در صورتی که از تربیت معنوی مطلوبی برخوردار باشند، می‌توانند اثربخشی، کارایی و عملکرد بالاتری را در حین انجام وظایف برای جامعه از خود نشان دهند (روجاس^۷، ۲۰۰۲). علاوه بر این، برنامه‌های درسی می‌توانند بهترین موقعیت را برای تبلور و رشد معنویت در افراد فراهم سازند. برنامه‌درسی، قلب نظام آموزشی است و می‌تواند فرصت‌های مناسب، محتوا و روش‌های مؤثر و مفیدی را برای پرورش و اعتلای همه ابعاد وجودی افراد مهیا سازد.

ناتوانی برنامه‌های تربیتی جدید در برآوردن نیازهای معنوی و ارزش انسان معاصر و در نتیجه ظهور بحران‌ها و بن‌بست‌های پیچیده در فضای ذهن و زندگی انسان‌ها سبب شده است تا خلا برنامه‌ای که انسان دورافتاده از اصالت خویش را از وضعیت کنونی نجات داده و به سوی سعادت رهنمون کند، احساس شود. تمدن و تکنولوژی جدید علیرغم دگرگونی و بهبود وضع زندگی مادی بشر، یکی از عوامل مهم غفلت افراد از اصلی‌ترین ساحت وجودی خود یعنی روح ملکوتی و در نتیجه فروپاشی بنیادهای اخلاق و معنویت در جهان معاصر بوده است (ایزدی، قادری و حسینی، ۱۳۹۳، ص ۴۲). بنابراین داشتن یک برنامه‌درسی معنوی مناسب که همه ابعاد زندگی انسان را مدنظر قرار دهد و رشد و تکامل او را به دنبال داشته باشد یکی از نیازهای اساسی سیستم آموزشی جوامع مختلف است. پژوهش حاضر به دنبال ارائه مدل برنامه درسی معنوی با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و اسلامی ایران می‌باشد. در این پژوهش تلاش می‌شود مدل برنامه‌درسی معنوی بر اساس نظریه داده بنیاد و در قالب مدل پارادایمی که از عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تشکیل شده است، مطالعه شود. از این رو از جمله دلایل و شواهدی که ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر را دوجندان می‌کند، ضرورت برنامه‌درسی معنوی برای تربیت انسان کامل، ناکافی بودن تلاش‌های انجام گرفته برای به‌کارگیری مناسب برنامه‌درسی معنوی در آموزش، کمبود تحقیقات انجام گرفته در زمینه عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار در برنامه‌درسی معنوی و هم‌چنین مفید بودن بهره‌گیری از نتایج تحقیق حاضر، در برنامه‌ریزی درسی پایه‌های مختلف و گنجانیدن برنامه‌درسی معنوی در تألیف کتب‌درسی پایه‌های مختلف است. فقدان برنامه درسی معنوی مناسب که ضمن توجه به همه ابعاد وجودی انسان، قابلیت اجرا نیز داشته باشد، باعث می‌شود تا سیستم آموزشی رویه یکسانی را در پیش نداشته و سلیقه مجریان آموزشی جایگزین برنامه درسی گردد. این امر ضمن اتلاف منابع نه تنها تربیت انسان معنوی را دنبال نمی‌کند بلکه سامانه آموزشی را به بیراهه می‌برد. بنابراین تدوین ارائه مدل برنامه درسی معنوی منطبق با ارزش‌های اسلامی و ایرانی به منظور به‌کارگیری در آموزش و پرورش ضروری به نظر می‌رسد.

۵. Cognitive

۶. Emotional

۷. Rojas

مبانی نظری

برنامه‌درسی معنوی

معنویت همان چیزی است که به زندگی یک شخص معنایی نهایی می‌دهد و با عمیق‌ترین تجربیات یک فرد، دین و فرهنگ ارتباط نزدیک دارد. دین "معنویت نهادینه شده" است که به اعتقادات و آداب و رسوم جامعه وابسته است و غالباً در کارهای فرهنگی گنجانیده شده است (مک گاورن^۸ و همکاران، ۲۰۱۷).

برنامه‌درسی معنوی اشاره به این دارد که چگونه می‌توانیم دنیای معنویت و روحانی را وارد دنیای مدرسه و کلاس درس نماییم. به گونه‌ای که دانش‌آموزان را از نظر زندگی درونی غنی نموده و روح آن‌ها را آرامش بخشیده و مسیر آموزش و پرورش را به جای ذهن افراد به سوی روح آن‌ها تغییر می‌دهد. در عصر فرامدرن و فراشناخت، می‌توان عقل دانش‌مدار را با روح آرامش‌بخش تلفیق نموده و آن را تلطیف کرد (میلر، ۲۰۰۲).

نجفی و کشانی (۱۳۸۸) برنامه‌درسی معنوی را شامل محتوای رسمی و غیررسمی، شیوه‌های تدریس و فرصت‌های یادگیری می‌دانند که از طریق آن، فراگیران امکان می‌یابند به کمک سازمان‌های آموزشی و اقدامات تربیتی، به شناخت بیشتر زوایای پنهان وجود خویش و جهان هستی (که ماهیت و هویتی معنوی، مجرد و فرامادی دارد و پایه و اساس رفتارهای معنوی و انسانی، هنر و زیبایی‌شناختی، اخلاق و روح را تشکیل می‌دهد) پرداخته و بر مبنای آن قابلیت‌ها و استعدادهای معنوی و متعالی خود را به شکل جهت‌دار و هدفمند به فعلیت رسانند. این برنامه در جستجوی تعادل و وابستگی زندگی درونی و بیرونی دانش‌آموزان است و علاوه بر منطقی بار آوردن دانش‌آموزان، دست یافتن آن‌ها احساس عمیق و پربارتر را فراهم می‌کند (نقل از رضائی، حسینی و صالحی، ۱۳۹۵). از نظر آن‌ها ارتباط چنین مؤلفه‌هایی با فرایند تربیت دینی در آن است که برنامه‌درسی معنوی با داشتن محتوا و روش‌های خاص خود می‌تواند به منظور دستیابی فراگیران به اهداف تربیت دینی، ابزاری مناسب و کارآمد باشد.

از دیدگاه سلیمان‌پور (۲۰۱۴) برنامه‌درسی معنوی بر اساس دانش، درک جهان و شناخت عمیق از طبیعت مطلق است. تأکید برنامه‌درسی معنوی بر ناخودآگاه انسان، عشق به دین، عشق به زندگی و طبیعت، زندگی تاریخی و مذهبی و تجربیات است. اصولاً یک برنامه‌درسی باید بر درک جامع و عمیق قابلیت‌ها و ابعاد وجود انسانی مبتنی باشد. از این منظر توجه به برنامه‌درسی معنوی برای فراگیران می‌تواند به عنوان یک زمینه مهم در نظر گرفته شود. هدف برنامه‌درسی معنوی، هدایت مرتبی به منظور شناخت خود، جهان و ذات مطلق است (نقل از امینی و ماشااللهی نژاد، ۱۳۹۲).

استفاده از معنویت در آموزش، علاوه بر سهولت در روند تدریس و یادگیری، به آماده‌سازی ذهنیت فراگیران در یادگیری و اثربخشی بیشتر توأم با امنیت روانی کمک می‌کند. علاوه بر این، آموزش معنویت می‌تواند به درس‌ها و اهداف معنا دهد و احساس عمیق از وحدت و ارتباط با جهان را ایجاد کند. از این رو، بهترین راه برای رشد معنویت در افراد از طریق آموزش است. معنویت در آموزش نه تنها باعث درک محتوای آموزشی می‌شود بلکه استدلال و روش‌های تحلیلی تفکر را در بین فراگیران تقویت می‌کند. بنابراین، معنویت در آموزش و پرورش ابتدا باید با فرهنگ اسلامی هماهنگ باشد؛ زیرا جامعه اسلامی مبتنی بر اعتقاد به خداوند متعال است و اعتقاد بر این است که همه چیز برای او برنامه‌ریزی شده است (نصراللهی و همکاران، ۲۰۲۰).

⁸. McGovern

عناصر برنامه‌درسی معنوی

اهداف برنامه‌درسی معنوی

تعیین اهداف از مهمترین فعالیت‌ها در برنامه درسی، نشان‌دهنده مسیر در طراحی برنامه درسی و همچنین روشن کننده راه و مقصد نهایی است (ابراهیم کافوری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۲). در اسلام هدف برنامه درسی با این نگاه به انسان تعیین می شود که انسان موجود شریفی است که برای هدفی والا خلق شده و اهداف و مسیر زندگی انسان ترسیم و تعیین شده است. اهداف برنامه درسی معنوی در اسلام به طور متوازن در جهت تأمین نیازهای روانی، زیستی، اجتماعی، اقتصادی، فطری و معنوی انسان است که هم به امور معنوی و هم به امور مادی پرداخته است (شاملی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۳ و ۸۲). هدف تعلیم و تربیت و همچنین به پیروی از آن برنامه درسی معنوی در دیدگاه اسلامی، الهی شدن و تقرب به خداوند است و کمال انسانیت و هدف نهایی زندگی انسان در این است که به وجود آفریننده آسمان‌ها و زمین و کل پدیده‌های عالم اعتقاد داشته باشد و آن‌گاه در مرحله عمل، هر عملی که انجام می دهد، حاکی از بندگی او برای خداوند تبارک و تعالی است (ملکی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۳). البته به طور کلی اهداف برنامه‌درسی معنوی نباید به صورت خطی و تجویزی باشد بلکه باید در فرایند آموزش شکل بگیرد. همانگونه که در دیدگاه پست‌مدرن اهداف آموزش و برنامه‌درسی، نسبی و متغیر بوده و با توجه به اوضاع و موقعیت تغییر می کند (وفائی، ملکی و علیپور، ۱۳۹۶). برخی دیگر از اهداف برنامه‌درسی معنوی، تقویت خردورزی در افراد، پرورش مهرورزی و مودت نسبت به خداوند، پرورش شرح‌صدر و صبر در مقابل سایر انسان‌ها و خروج تدریجی انسان از بند هوای نفس و خواسته‌های دل و قرار گرفتن در مسیر دستور الهی است (ملکی، ۱۳۹۸).

محتوای برنامه‌درسی معنوی

محتوا به دلیل تأثیرگذاری مستقیم در شخصیت یادگیرنده از اهمیت بالایی برخوردار است. برخی تصور می کنند که رشد معنوی افراد تنها از طریق درس خاصی نظیر تعلیمات دینی امکان پذیر است این در حالی است که همه دروس آموزشی توان پرورش بعد معنوی افراد را دارند. هر یک از موضوعات و برنامه‌های درسی بر رشد و پرورش بعد معنوی فراگیران تأثیرات مهمی دارد و می تواند به برانگیختگی، کنجکاوی، اشتیاق، واکنش، شادی و اعجاب تفکر و روح آدمی منجر شود (پیری توسنلو، ۱۳۹۴).

محتوای برنامه درسی معنوی برگرفته از سرچشمه وحی الهی، سنت نبوی و دستور حیات‌بخش ائمه معصومین است که به تمام ابعاد وجودی انسان توجه دارد و نسبت به خواسته فطری انسان توجه خاص دارد. به همان اندازه که به اعتقادات و عبادات اهمیت می دهد به مسائل عاطفی روحی و اجتماعی و خواسته های درونی انسان هم اهمیت می دهد. محتوایی که برای تحقق هدف برنامه‌درسی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی در نظر گرفته می شود باید به اوضاع ذهنی، عاطفی، عقلی و جسمی فراگیران توجه لازم را مبذول کند و همچنین با مبانی دین هماهنگ باشد؛ به عبارت دیگر، برنامه طراحی شده باید با هدف آفرینش هماهنگ باشد؛ ویژگی‌های روانی انسان و توان و موقعیت او را در نظر بگیرد؛ نسبت به ابعاد فردی، اجتماعی، زمانی و مکانی انسان بی اعتنا نباشد؛ تمام دوران زندگی انسان را در نظر بگیرد و به عبارتی ابزار معنوی همه جانبه پدید آورد؛ به گونه‌ای که انسان بتواند در هر موقعیتی از این ابزار برای تقرب به خدا و رسیدن به معنویت استفاده کند (امیری و همکاران، ۱۳۹۳؛ قاسم پور دهاقانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۱). در مواد و موضوعات و محتوای برنامه درسی در دیدگاه تربیتی اسلام علاوه بر علائق به تقویت ایمان، تزکیه نفس، تعقل و تفکر توجه می شود (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۲۵).

در دیدگاه پست مدرن محتوا و اطلاعات، جایگاه سنتی خود را از دست می دهد. موضوعات و محتوا ترکیبی است و این مسئله اجازه می دهد یادگیرنده در حوزه‌های محتوایی متفاوتی قرار گیرد. در نظریه پست مدرنیسم هنگام طراحی و انتخاب محتوای برنامه درسی باید ویژگی‌های یادگیرنده به عنوان اصل کلی مورد توجه قرار گیرد. همچنین محتوای

برنامه درسی باید محرک رشد فکری یادگیرندگان، فراهم کننده انواع تجربه نظری و عملی لازم برای کسب مهارت در هر شغل و آسان کننده مهارت‌های عقلانی سطوح بالا مانند تفکر انتقادی و خلاقیت باشد. در این دیدگاه حوزه‌های موضوعی مرزهای خود را از دست می‌دهد (شاهین، ۲۰۰۹، ص ۱۴۶۶). موارد بالا از اصولی هستند که از سوی صاحب‌نظران برنامه‌درسی معنوی نیز در تدوین و اجرای آن مورد توجه بوده‌اند.

اجرا و آموزش برنامه‌درسی معنوی

نکته مهم در باب اجرا و آموزش به عنوان عنصری مهم در فرایند برنامه‌ریزی درسی این است که حوزه اجرا و آموزش معنویت باید در زیر چتر اهداف تربیت معنوی قرار بگیرد. معنویت مورد نظر اسلام مبتنی بر نگرش‌ها و حالاتی است که حاصل برخی آموزش‌ها، فعالیت‌ها و آداب مذهبی یا مبتنی بر دین است؛ یعنی می‌توان موقعیت‌هایی را در مراکز تعلیم و تربیت فراهم کرد که به این دانش‌ها و نگرش‌ها و حالات مطلوب دست یافت.

در دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی لزوم راهنمایی، هدایت و تسهیل فعالیت‌های یادگیری، بیانگر اهمیت نقش معلم است؛ به این ترتیب معلم در این دیدگاه، وظیفه آماده‌سازی شاگردان و ساده کردن مطالب برای درک بهتر مفاهیم را بر عهده دارد. در دیدگاه پست‌مدرن تأکید بر جریان یادگیری است و این جریان یادگیری مبتنی بر اطلاعات آزاد از موضوعات برگزیده بحث‌ها توسط اعضای نهاد و گروه‌های آن است و از عوامل متعددی چون جامعه، مدرسه، آداب و سنت‌ها، ارزش‌ها و باورها تأثیر می‌پذیرد. اندیشه‌های پست مدرن بر یادگیری گروهی تأکید دارد و مشوق یادگیری همیارانه، تعامل‌های بین‌فردی و گروه‌های کاری است. دانش‌آموزان ماشین‌هایی نیستند که مفاهیم را بسادگی و بر اساس چشم‌انداز خاص دریافت کنند بلکه فراگیرانی هستند که با یادگیری مشارکتی در حال ساخت هویت خود و ساخت دانش هستند (وفائی، ملکی و علیپور، ۱۳۹۶). بنابراین در اجرای برنامه‌درسی معنوی باید از روش‌های گوناگون و همچنین برنامه‌درسی تلفیقی استفاده نمود.

ارزشیابی برنامه‌درسی معنوی

چنین تصور می‌شود که ارزشیابی به منزله بخشی از تصویر پیچیده تربیت معنوی است و بخش ذاتی زندگی کاری و هر روزه مربی و متربی است. از این رو لازم است ارزشیابی به صورت بازخوردی و نیز به صورت تلفیقی تحقق پذیرد تا به توسعه و رشد توانمندی‌های فراگیران و نیز توسعه بعد معنوی آنان منتهی شود. با توجه به معنویت مورد نظر نگرش اسلامی، که تمرکز اصلی آن بر اصل توحید است، پاسخگویی در محضر حق، معنای اساسی پاسخگویی را شکل می‌دهد و دستیابی به این نوع پاسخگویی از طریق همراهی با نشانگرها و معیارهای معرفی شده در باب معنویت است. به نظر می‌رسد راهبرد اصلی مناسب برای ارزشیابی در برنامه‌درسی معنوی، تلفیق روش‌های مربوط به رویکرد خودسنجی (خودارزشیابی) با الگوهای ارزشیابی معلم‌محور و فرایندمحور (آزمون کتبی، مشاهده، بحث و گفتگو و نقد و ارزیابی آثار فکری و علمی متربی) به منظور اقدامات اصلاحی موردی برای بهبود فرایند تربیت است. فرایندهای تعاملی میان مربی و متربی در ارزشیابی تکوینی نیز به منظور اصلاح و تعدیل خودپنداره فراگیران از آنجا که می‌تواند به تصحیح برداشت‌های متربی کمک کند، بسیار ثمربخش به نظر می‌رسد و در نتیجه می‌تواند مسیر رشد معنوی را به منظور دستیابی به شاخص‌های معنوی هموارتر سازد (قاسم‌پور و نصرافهانی، ۱۳۹۱). فرانوگرایان با رد هر نوع دانش از پیش تعیین شده، رویکردهای ارزشیابی اثبات‌گرایانه مدنظر نوگرایان را رد، و آن را بی‌معنی تصور می‌کنند. در عوض آنان سبک‌هایی را می‌پسندند که بر رویکردهای طبیعت‌گرایانه و کیفی همراه با مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرایند ارزشیابی و خودارزشیابی و رویکردهایی چون نقادی آیزنری تأکید کنند (جمشیدی خورشید و همکاران، ۱۳۹۲). در ادامه برخی از مطالعات صورت گرفته در حوزه ادبیات موضوع آورده می‌شود.

حق نظری و مرادی یوسفوند (۱۳۹۸) به پژوهشی با عنوان "تربیت دینی نسل جدید، معنویت و برنامه‌درسی" پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که باورهای دینی در جوامع اسلامی به عنوان یکی از اهداف تربیتی مهم در برنامه‌ریزی‌های کلان نظام تعلیم و تربیت این جوامع مورد نظر است. از طرفی نیازهای مخاطبان نیز مدام در حال تغییر و تحول است و باید تربیت دینی همگام با مقتضیات زمان برای مخاطبان خود برنامه‌های دقیق و مناسبی ارائه دهد. برای سوق دادن تعلیم و تربیت در جهت برآورده کردن این نیازها سازوکارهایی لازم است، که از مهمترین آن‌ها وجود یک برنامه‌درسی مبتنی بر معنویت در نظام آموزشی است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که وجود یک برنامه‌درسی معنوی دقیق و مبتنی بر برنامه‌ریزی‌های علمی می‌تواند کمک شایانی به تربیت نسل جدید که در معرض همه‌های گوناگون فکری، فرهنگی و تربیتی قرار دارند، نماید و آن‌ها را به اهداف و معیارهای موردنظر دین نزدیک و نزدیک‌تر کند.

ادیب منش، لیاقت‌دار و نصر (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان "تبیین ابعاد و مؤلفه‌های برنامه‌درسی معنوی بر اساس منابع و متون مرتبط با آن" به شناسایی و تبیین ابعاد و مؤلفه‌های برنامه‌درسی معنوی پرداختند. روش پژوهش به شیوه توصیفی و شامل تحلیل محتوا از نوع اسنادی است. متون و منابع مرتبط با حوزه برنامه‌درسی معنوی جامعه تحلیلی بود که در این میان چهل منبع داخلی و سی منبع خارجی شناسایی و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که برنامه‌درسی معنوی شامل چهار بعد هنر و زیباشناسی، تعقل، اخلاق، و روح می‌باشد و هر یک از این ابعاد مرکب از مؤلفه‌هایی است که بعد هنر و زیباشناسی با ۱۴ بعد، اخلاق با ۱۲ بعد، روح با ۱۱ بعد و تعقل با ۹ بعد، به ترتیب بیشترین و کمترین میزان توجه را داشتند. همچنین در بعد هنر و زیباشناسی، مؤلفه آموزش بیان ادراکات و احساسات با ۳۲ و خبرگی با ۵؛ در بعد اخلاق، مسئولیت‌پذیری با ۱۰ و حیا با ۴؛ در بعد روح، اعتقاد به خدا با ۱۰ و حضور داشتن با ۵، در بعد تعقل، برقراری ارتباط با نظام هستی با ۸ و تلاش برای کنترل خویش با ۲ فراوانی به ترتیب بیشترین و کمترین توجه را به خود اختصاص داده‌اند.

نجفی و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان "تبیین ابعاد و مؤلفه‌های رشد معنوی انسان و تحلیل محتوای آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران" انجام دادند. جامعه تحلیلی شامل دو بخش، متون مرتبط با ابعاد و مؤلفه‌های رشد معنوی انسان و متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب آذر ماه ۱۳۹۰ بوده است. ابزارهای اندازه‌گیری، فرم فیش‌برداری و نیز سیاهه تحلیل محتوای محقق ساخته بود. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که چارچوب مفهومی رشد معنوی انسان را می‌توان در سه بعد هنر و زیباشناسی، تعقل و اخلاق دانست و برای هر کدام از این ابعاد نیز مؤلفه‌هایی را در نظر گرفت.

ایزدی و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان "امکان سنجی اجرای برنامه‌درسی با رویکرد معنوی در دوره متوسطه" انجام دادند. جامعه آماری تحقیق شامل دبیران زن دوره متوسطه استان مازندران بوده و برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که دانش و مهارت دبیران در مقوله‌های هنر و زیباشناختی، اخلاق و روح و همچنین نگرش اخلاق در سطح بالاتر از متوسط است. همچنین نتایج حاکی از آن است که امکانات مدرسه برای اجرای برنامه‌درسی معنوی در سطح بالایی قرار دارد، همچنین نگرش هنر و زیباشناختی و نگرش روح در کمتر از حد متوسط است. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری^۹ نشان داد که بین نمرات دانش، نگرش و مهارت دبیران و امکانات مدرسه در شهرهای مختلف تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج همبستگی پیرسون نیز نشان داد که بین امکانات مدارس و نگرش و مهارت دبیران رابطه معنادار وجود دارد و بیشترین میزان رابطه بین امکانات مدارس و مهارت روح است، اما بین امکانات مدارس و دانش اخلاق روح رابطه معناداری مشاهده نشد.

9. MANOVA

بوچانان (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان "توجه به بعد معنوی به منظور افزایش تغییر برنامه‌درسی" به بررسی ادراکات رهبران علمی آموزش و پرورش مذهبی درباره چگونگی برخورد با مفاهیم معنوی، پرداخت. هدف این تحقیق این است که معلمان را تشویق می‌کند تا بر مقاومت خود در برابر تغییر برنامه‌درسی غلبه کنند. وی همچنین یادآور شد که رشد و پرورش ویژگی‌ها و ابعاد معنوی معلمان باعث اجرای اثربخش برنامه‌درسی شده است. وی با اذعان به این که رشد معنوی متریبان به عنوان یک موضوع مهم، کمتر در پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است، یادآور شد که رشد معنوی افراد با گرایش‌های مذهبی و نیز تجارب و فعالیت‌هایی که در این زمینه در مؤسسات آموزشی طراحی و اجرا می‌گردد، کاملاً مرتبط است.

کلیفورد (۲۰۱۳) طی پژوهشی با عنوان «آموزش و پرورش اخلاقی و معنوی به عنوان بخش ذاتی برنامه‌درسی» به این نتیجه رسید که بین برنامه‌درسی اخلاقی و معنوی رابطه‌ای مثبت وجود دارد. همچنین برنامه‌درسی اخلاقی برخی از راه‌های مؤثر را برای تشویق جوانان به مسئولیت‌پذیری نشان می‌دهد. این پژوهش، مطالعه موردی در یک مدرسه ابتدایی کوچک روستایی در انگلستان به منظور بررسی میزان امکان اجرای برنامه اخلاقی و معنوی به عنوان یک بخش ذاتی و فراگیر از برنامه‌درسی بر اساس دریافت فضایل کودکان بوده است. در این تحقیق، دانش‌آموزان تشویق شدند تا به تجربه خودشان بپردازند و بر فضایی مانند «مهربانی»، «قابلیت اطمینان» یا «مسئولیت» تأکید کنند.

نصرالهی، اسکندری، رضائی، حاجی رحیمیان (۲۰۲۰) در پژوهشی تحت عنوان "معنویت و عوامل مؤثر در آموزش: یک مطالعه کیفی" به تبیین عوامل مؤثر در انتقال معنویت در فرایند آموزش پرداختند. این مطالعه رویکرد تحلیلی کیفی شامل ۲۲ عضو هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی، ۲۵ عضو هیئت علمی حوزه علمیه و ۱۹ دانشجوی پزشکی علاقه‌مند به شرکت در این مطالعه بود. آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند مورد مطالعه قرار گرفتند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه و پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. نتایج نشان داد که عوامل مؤثر در انتقال معنویت در فرایند تدریس به دو شکل اصلی عوامل مرتبط با معلم و عوامل مرتبط با محیط طبقه‌بندی شدند. عوامل مرتبط با معلم شامل بصیرت و جهان‌بینی معلم، پیروی از اصول دینی، اعتقاد به فضایل اخلاقی، تعامل مثبت و سازنده معلم با دانش‌آموز و تسلط بر مهارت‌های تدریس است. عوامل مرتبط با محیط نیز شامل کلاس‌های بسیار ماهر و فراگیران با استعداد است.

اهداف تحقیق

هدف کلی پژوهش:

➤ ارائه مدلی برای برنامه‌درسی معنوی.

اهداف ویژه پژوهش:

۱. شناسایی شرایط علی به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی در آموزش
۲. شناسایی عوامل زمینه‌ای به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی در آموزش
۳. شناسایی راهبردهای به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی در آموزش
۴. شناسایی شرایط مداخله‌گر به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی در آموزش
۵. شناسایی پیامدهای به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی در آموزش

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی پژوهش:

➤ مدل مناسب به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی در آموزش کدام است؟

سؤالات ویژه پژوهش:

۱. شرایط علی به کارگیری برنامه درسی معنوی در آموزش کدامند؟
۲. عوامل زمینه‌ای به کارگیری برنامه درسی معنوی در آموزش کدامند؟
۳. راهبردهای به کارگیری برنامه درسی معنوی در آموزش کدامند؟
۴. شرایط مداخله‌گر به کارگیری برنامه درسی معنوی در آموزش کدامند؟
۵. پیامدهای به کارگیری برنامه درسی معنوی در آموزش کدامند؟

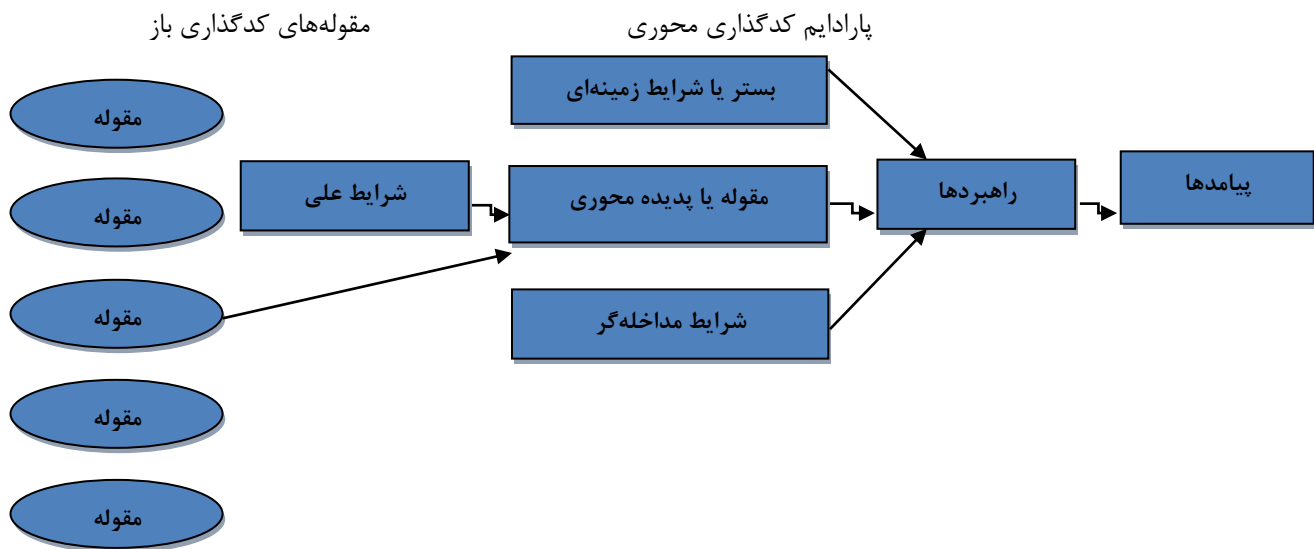
روش تحقیق

پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی و با به کارگیری روش نظریه داده بنیاد انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش شامل اساتید و نخبگان صاحب نظر در حوزه تعلیم و تربیت به خصوص برنامه ریزی درسی می‌باشد که از سوابق اجرایی در تصمیم‌گیری برخوردار بوده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته می‌باشد. نمونه تحقیق شامل ۱۴ نفر از خبرگان و متخصصان برنامه ریزی درسی بوده که با روش نمونه‌گیری هدفمند و زنجیره‌ای (گلوله برفی) انتخاب شده‌اند. از آنجایی که حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی مترادف با کامل شدن داده‌ها یا اشباع داده‌ها است، لذا مصاحبه‌ها تا حدی ادامه یافت که مصاحبه شونده‌های جدید شاخصی به شاخص‌های قبلی اضافه نکردند. این پژوهش به ارائه مدل برنامه درسی معنوی می‌پردازد. بنابراین بر مبنای هدف، تحقیق حاضر یک تحقیق توسعه‌ای محسوب می‌شود؛ چرا که مفاهیم و ادبیات موجود در حوزه برنامه درسی را در راستای بهره‌برداری و کاربردی نمودن آن‌ها توسعه می‌دهد (دیانتی، ۱۳۹۷). همچنین از نظر ماهیت گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد؛ زیرا پژوهشگر قصد دارد تا آنچه هست را بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی جمع‌آوری و تحلیل نماید و از این نظر که به دنبال شناخت صفات، ویژگی‌ها، عقاید، نگرش‌ها، رفتارها و سایر مسائل افراد یک جامعه از طریق مراجعه به آن‌هاست یک تحقیق پیمایشی یا زمینه‌یاب به حساب می‌آید (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷) و از نظر نوع داده‌ها در دسته تحقیقات کیفی قرار دارد. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش بر اساس روش کدگذاری نظری برگرفته از روش نظریه‌ای (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰) انجام می‌گیرد. فرایندی که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی و به شکل تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار گرفته و نظریه بر اساس آن تدوین می‌شود. این شیوه شامل سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱) که در ادامه به صورت خلاصه بیان می‌شود.

کدگذاری باز: در کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها بعد از خواندن مکرر و دقیق مفاد آن‌ها کدگذاری شد. واحدهای معنی‌دار معرفی، توضیح و نام‌گذاری شده و بعد از طبقه‌بندی، به عنوان مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها سازماندهی شدند. یعنی به هر قطعه از داده‌ها یک نام اختصاص داده شد. همان‌طور که داده‌ها جمع‌آوری می‌شدند، موارد بعدی از همان داده‌ها و واحدهای معنی‌دار جدید در هر نسخه نوشتاری و متنی کدگذاری شدند. یعنی مفاهیم شناسایی و برحسب خصوصیات و ابعادشان بسط داده شدند. در این فرایند کدگذاری تعداد ۹۷ کد استخراج و همچنین ۵ مقوله اصلی و ۲۹ مقوله فرعی شناسایی شد.

کدگذاری محوری: در کدگذاری محوری، مفاهیم بر اساس اشتراکات و یا هم‌معنایی در کنار هم قرار گرفتند. به عبارتی بین مقوله‌های اساسی که در کدگذاری باز گسترش یافته‌اند، ارتباطات درونی برقرار می‌شود و با مقایسه مداوم، مفاهیم و مقوله‌هایی که در کدگذاری باز ایجاد شدند، در صورت تشابه تلفیق شده و حول یک محور مشترک قرار گرفتند و ابعاد پارادایم کدگذاری شکل گرفت.

کدگذاری انتخابی: در این مرحله، هدف یکپارچه‌سازی و در کنار هم قرار دادن فرضیه‌ها و گزاره‌های به دست آمده و تحلیل رو به رشد است. نظریه‌ای که رشد می‌کند باید در اطراف چیزی که یکپارچه شده است (مقوله هسته‌ای نظریه) متمرکز شود. مقوله‌های هسته‌ای باید یک موضوع مرکزی در داده‌ها باشند و به منظور یکپارچه‌سازی مقوله‌های دیگر در داده‌ها باید در سطح بالاتری از انتزاع ساخته شوند.



شکل (۱) پارادایم کدگذاری محوری

برای سنجش روایی ابزار مصاحبه از روش روایی پاسخگو استفاده شد. در روایی پاسخگو، صحت داده‌های بدست آمده از پاسخگوها بررسی می‌شود و در آن پژوهشگر بازگشتی به شرکت‌کنندگان خواهد داشت تا بتواند با توجه به تأیید صحت داده‌ها، نظریه در حال تکوین را اصلاح کند (ابوالمعالی، ۱۳۹۱). برای محاسبه پایایی از دو روش پایایی حاصل از دو کدگذار و پایایی بازآزمون استفاده شده است. در پایایی بازآزمون از میان مصاحبه‌های صورت گرفته، چند مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب شده و هر کدام از آن‌ها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص دو بار کدگذاری می‌شوند. سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مورد قیاس قرار گرفته می‌شوند. روش بازآزمایی برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر به کار می‌رود. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه هستند با عنوان «تطابق» و کدهای غیر مشابه با عنوان «عدم تطابق» مشخص می‌شوند. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی (دوکدگذار)، از یکی از اساتید آمار و روش تحقیق آشنا به کدگذاری درخواست شد تا به عنوان کدگذار ثانویه در پژوهش، مشارکت کند و در ادامه پژوهشگر به همراه این همکار پژوهشی، تعداد پنج مصاحبه را کدگذاری کرده و درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود، محاسبه گردید.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، بنا بر ابعاد پارادایم کدگذاری، برنامه‌درسی معنوی براساس تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران تبیین می‌شود. بنابراین در ادامه به تعریف هر یک از مقوله‌های به‌دست آمده می‌پردازیم.

شرایط علی به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی

شرایط علی عبارت است از حوادث، وقایع و رویدادهایی که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامد. در پژوهش حاضر بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه با صاحب‌نظران، مقوله‌های «نظام اسلامی» (دین و مذهب رسمی کشور، لزوم آشنایی دانش‌آموزان با اصول دینی، اجرای احکام دین)، «انسان اشرف مخلوقات» (توجه به ارزش والای انسان، تأکید بر آگاهی انسان، پرورش فطرت خداجوی انسان، توجه به عقل به عنوان پیامبر درونی، دعوت دانش‌آموزان به تفکر و تعقل) و «زندگی هدفمند و معنادار» (لزوم داشتن هدف در زندگی، مسئولیت انسان در بهبود زندگی خود و دیگران،

نقش محافظتی دین از آسیب‌های اجتماعی) به عنوان عمده‌ترین علل به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی شناسایی و به مقوله اصلی شرایط علی ارتباط داده شد.

برای نمونه، یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص دین و مذهب رسمی کشور بیان کرد: "فلسفه نظام تعلیم و تربیت بر مبنای دین اسلام است. پس ضروری است که با این زاویه برنامه‌های درسی را تهیه کنیم و فرصت‌های آموزشی را ترتیب دهیم تا آن هدف تحقق پیدا کند". همچنین مصاحبه‌شونده دیگری در خصوص اجرای احکام دین بیان کرد: "در کشور ما چون کشور اسلامی ایرانی است معنویت به سمت مسائل دینی و مذهبی و احکام و مواضع دینی و بالاخره هر آنچه در قرآن کریم و در احادیث معصومین (ع) مدنظر است، گرایش پیدا می‌کند و تمام برنامه‌های درسی قرآن، تعلیمات دینی، هدیه‌های آسمانی، معارف اسلامی و اندیشه اسلامی که داریم یعنی توجه رسمی به حوزه معنویت".

مصاحبه‌شونده‌ای در زمینه ارزش والای انسان اظهار نمود: "در دین اسلام هیچ چیزی با ارزش‌تر از انسان نیست. به خاطر انسان، خداوند زمین را خلق کرد تا جایگاه خاصی برای او باشد. پس باید با نگاه معنوی به بچه‌ها بگوییم شما خیلی با ارزش هستید، بروید و خودتان را کشف کنید". یکی از مصاحبه‌شوندگان در زمینه عقل به عنوان پیامبر درونی بیان کرد: "آیات متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد اگر انسان متفکر باشد راه برای افق‌های متعالی‌تر و بهتر برای او باز می‌شود. به همین دلیل عقل در نظام اعتقادی ما به‌عنوان پیامبر درونی مطرح است. این اوج توجه دین اسلام به مسئله عقل و تفکر است. یعنی ما یک پیامبر درونی داریم که همان عقل انسان است و یک پیامبر بیرونی داریم که همان انبیاء (ع) است. مطابق دلالت‌های قرآن اگر فردی عقل خود را به‌درستی به کار بگیرد، تفکر خود را به کار بگیرد، حاصل این تفکر ایجاد شاکله یا روحیه‌ای است در فرد، که معمولاً آن فرد دیگر خیلی قفل به طبیعت و واقعیت‌ها نمی‌ماند. معمولاً انسانی که متفکر بار می‌آید، مایل است از آنچه هست قدری کنده شود، حرکت کند به سوی اوضاع متعالی‌تر و کامل‌تر و بهتر و به همین دلیل هم در قرآن چقدر خدای متعال توصیه می‌کند که انسان‌ها اهل اندیشه ورزی باشند، اهل تفکر باشند و فکر کنند".

عوامل زمینه‌ای به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی

عوامل زمینه‌ای نشان‌دهنده زمینه‌هایی است که پدیده در آن روی می‌دهد. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با صاحب‌نظران این پژوهش نشان می‌دهد که مقوله‌های «عوامل اجتماعی» (جامعه و ارزش‌های آن، همسالان، خانواده)، «عوامل فرهنگی» (فرهنگ و نژادهای مختلف)، «رسانه» (فضای مجازی - تلویزیون - ماهواره - اینترنت - تبلیغات و ...)، «برنامه‌درسی پنهان»، «عوامل اقتصادی» (میزان حقوق معلمان، درآمد خانواده‌ها و بودجه آموزشی)، «عوامل آموزشی» (نقش مدرسه (کلاس درس - مدیریت حاکم - کتاب درسی)، نقش معلم (ویژگی‌ها - نقش الگویی - آگاهی - خلاقیت)) و «عوامل فردی» (انسان موجودی فیزیکی و روحانی است) به عنوان بستر به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی شناسایی شد. برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان مورد خانواده اظهار کرد: "از آنجایی که فرزندان در محیط خانواده تربیت می‌شوند، خانواده می‌تواند نقش مهمی در عرصه‌های اخلاقی، اعتقادی و عبادی داشته باشد. پس به‌عنوان یکی از نهادهای مهم و کلیدی به شمار می‌آید". همچنین مصاحبه‌شونده دیگری در مورد رسانه بیان کرد: "ما دیگر در محیطی نیستیم که دورمان حصار کشیده باشند و ما ایزوله باشیم و ناآگاه باشیم. ما در یک جامعه‌ای هستیم. در یک دهکده جهانی به اصطلاح قرار داریم و کودکان و دانش‌آموزان ما چه بخواهیم و چه نخواهیم در معرض همه جور اطلاعاتی قرار می‌گیرند و تبلیغات زیادی که دائماً گزینه‌های جدیدی به بازار فکری آدم‌ها می‌آورند که کلاً انسان یادش می‌رود که باید روی چه هدفی تمرکز کند و به کجا برود". یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص نقش برنامه‌درسی پنهان می‌گوید: "نقش معلم خیلی بااهمیت است. اگر ما نقش معلم را جدای از فرایند رسمی در نظر بگیریم و در همان بعد برنامه‌درسی پنهان به آن اشاره کنیم خیلی تأثیرگذار است. برای مثال ما یک معلمی داریم که صبح تا شب در مورد نماز و احکام دینی سر کلاس برای دانش‌آموزان صحبت می‌کند اما به شکل عملیاتی کار خاصی در مدرسه انجام نمی‌دهد. برعکس معلمی داریم که خیلی کم در مورد این مسائل صحبت می‌کند ولی برای مثال نماز جماعت

مدرسه که می‌شود اولین نفری که در نماز شرکت می‌کند همین معلم است. یعنی همین برنامه‌درسی پنهان در اینجا نقش خیلی بیشتر از برنامه‌درسی رسمی است. یعنی این معلم بیشتر با رفتارش، با نقش الگویی که می‌تواند داشته باشد، با عامل به عمل بودنش می‌تواند یک محرک اصلی و عامل اصلی در تربیت‌پذیری معنوی فراگیران باشد."

راهبردهای به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی

راهبردها مبتنی بر کنش‌ها و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده موردنظر هستند. راهبردها مقصود داشته، هدفمند هستند و به دلیلی صورت می‌گیرند. همواره شرایط مداخله‌گری نیز وجود دارند که راهبردها را سهولت می‌بخشند یا محدود می‌کنند.

بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران، در این پژوهش «ایجاد شناخت» (ایجاد نگرش مثبت نسبت به دین، توجه به اختیار انسان، معرفی دقیق و کامل اسلام به خصوص زیبایی‌های دین به فرزندان، معرفی سایر ادیان در کنار دین اسلام، برگزاری همایش‌ها و جشن‌هایی در حوزه دین‌شناسی، ایجاد زمینه عشق به خدا، آشنا ساختن با مفاهیم صلح)، «راهبردهای آموزشی» (انتخاب معلمان همسو با برنامه‌درسی معنوی و تربیت اسلامی، آموزش معلمان، آموزش والدین و بزرگسالان، تجهیز مدارس به امکانات (نمازخانه‌های شاد و بانشاط، کتابخانه‌هایی با کتب مرجع، دیوان‌نویسی، نصب پوستر و ...)، آموزش بر اساس انس و الفت، استفاده از فناوری‌های نوین (استفاده از فیلم‌های انیمیشن آموزشی، پاورپوینت، نرم‌افزارهای فرهنگی، آموزش الکترونیکی و ...)، استفاده از برنامه‌درسی تلفیقی در آموزش، تناسب ارزشیابی با محتوای برنامه‌درسی معنوی)، «راهبردهای ساختاری» (تجدیدنظر در سیستم آموزشی و کتب درسی، گنجاندن برنامه‌درسی در باور دست‌اندرکاران، ایجاد هماهنگی بین نهادهای تربیتی مختلف سیاسی- فرهنگی- اجتماعی- اقتصادی و خانه و مدرسه، توجه به تجربه‌گرایی و ایجاد حس کنجکاوی) «تعقل و خردورزی» (انعطاف‌پذیری، عبرت گرفتن از تجربیات و شکست‌ها)، «هنرزیبایی‌شناسی» (توجه به هنر و زیبایی‌شناسی (موسیقی، نقاشی، نمایش، پرورش تخیل و ...)، توجه به خلاقیت، توجه به شاد زیستن) و «عوامل دینی و مذهبی» (عدم افراط و تفریط در حوزه معنویت، عبادت و نیایش) از جمله راهبردهای به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی در نظر گرفته شده است.

برای نمونه، مصاحبه‌شونده‌ای در خصوص آموزش معلمان بیان کرد: "برنامه‌هایی که برای پرورش مربیان داریم باید در این زمینه هم‌راستا باشند. شما نمی‌توانید برنامه‌درسی‌ای را تدوین کنید که معلمانی که مجری این برنامه‌درسی هستند آموزش لازم را ندیده باشند. وقتی که ما در سیستم آموزشی به علت کمبود معلم اشخاصی را از رشته‌های مختلف بدون هیچ سابقه کاری وارد سیستم آموزشی می‌کنیم، اگر بهترین برنامه را هم تدوین کنید، آیا ضمانتی هست که برنامه‌درسی به‌درستی تحقق پیدا کند". یکی از مشارکت‌کنندگان در زمینه استفاده از فناوری‌های نوین در برنامه‌درسی معنوی اظهار نمود: "خیلی خوب می‌شد اگر رسانه ما قوی می‌شد و اگر از فیلم‌های انیمیشن استفاده می‌شد؛ چون بچه‌ها اینگونه فیلم‌ها را دوست دارند. ما می‌توانیم به‌واسطه همین فیلم‌های انیمیشن آن‌ها را با یکسری مسائل آشنا کنیم و برایشان جذاب باشد و بچه‌ها را به‌صورت جذاب با مسائل دینی آشنا کنیم". مصاحبه‌شونده دیگری در خصوص توجه به هنرزیبایی‌شناسی بیان می‌کند: "هنر بستر تعلیم و تربیت و روح تعلیم و تربیت است و می‌توان بچه‌ها را به سمت هنر برد. موضوع معنویت باید در فضای روانی باشد؛ یعنی بیشتر در بحث روانشناسی کار شود تا به‌صورت یک سری درس و مباحث نظری و گرنه نمی‌توان از آن استفاده نمود".

شرایط مداخله‌گر به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی

شرایط مداخله‌گر شرایط ساختاری هستند که به پدیده‌ای تعلق دارند و بر راهبردهای کنش و واکنش اثر می‌گذارند. آن‌ها راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آن‌ها را محدود و مقید می‌کنند. در این پژوهش با توجه به نتایج کدگذاری، موانع برنامه‌درسی معنوی از جمله شرایط مداخله‌گر است که بر به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی تأثیر و خود به «موانع فرهنگی» (از بین رفتن ارزش‌ها)، «موانع آموزشی» (دشواری بودن اندازه‌گیری معنویت (به

علت ذهنی بودن آن، آموزش و سابقه برخی از معلمان در حوزه معنویت، محدود کردن معنویت به یک درس و معلم خاص، وجود برنامه‌های درسی آرمان‌گرایانه و ایده‌آل، عدم شناخت از حوزه معنویت و برنامه‌درسی معنوی، توجه به ابزارها به جای اصول (جابجایی هدف و وسیله)، «موانع نگرشی» (تلقی دروس دینی به‌عنوان دروس بیهوده، سوگیری و تعصب، نداشتن دیدگاه جامع در تفسیر معنویت، استفاده ابزاری از دین برای منفعت خود)، «موانع اجتماعی» (تناقض بین حرف و عمل در جامعه، بمباران اطلاعاتی از طریق فضای مجازی، برنامه‌های ماهواره‌ای و موج جهانی شدن)، «موانع خانوادگی» (ضعف برخی از خانواده‌ها در اعتقاد و باور به مسائل دینی و معنوی، تعارض بین خانه و مدرسه)، «موانع ساختاری» (عدم هماهنگی بین نهادهای تربیتی مختلف با سایر نهادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، خانه و مدرسه، دغدغه نداشتن دست‌اندرکاران برای تربیت معنوی، تمرکز زیاد به کودکان و عدم توجه به بزرگسالان) و «موانع فردی» (مقاومت فراگیران) دسته‌بندی می‌شود.

برای نمونه، در رابطه با محدود کردن معنویت به یک درس و معلم خاص، یکی از مصاحبه‌شوندگان اذعان می‌کند: " این که بچه‌ها را سر یک ساعت خاص به کلاس دین و زندگی ببریم، اصلاً در برنامه‌درسی معنوی و بحث تربیتی نمی‌گنجد. یک معلم خاص که بخواهد این‌ها را آموزش دهد نباید مطرح باشد؛ بلکه در تمام دروس و توسط تمام معلمان و مسئولین باید مدنظر قرار داده شود. تربیت دینی مثل این است که خدا در همه جا حاضر است، همه جا هست، نمی‌شود اندازه گرفت و نمره داد". همچنین مصاحبه‌شونده دیگری عقیده دارد: " وقتی ما فقط در غالب یک درس خاص فکر می‌کنیم که باید موضوعات معنوی را پوشش دهیم، عملاً بحث هدف‌هایی که به دنبالش بوده‌ایم تحقق پیدا نکرده بلکه تقلیل می‌یابد به یک آزمونی که در نهایت یک نمره‌ای در کارنامه دانش‌آموز ثبت می‌شود". یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در خصوص جابجایی هدف و وسیله اظهار می‌دارد: " یکی از موانع این است که ابزارهایی که دست ماست جای خود برنامه‌درسی معنوی را بگیرد. مثلاً نماز یک ابزار است برای برنامه‌درسی معنوی یا اعتکاف، مسجد رفتن همه این‌ها ابزار هستند. اصل و هدف نیستند. اگر این‌ها هدف شوند آن وقت دیگر برنامه‌درسی معنوی و تربیت معنوی اتفاق نمی‌افتد".

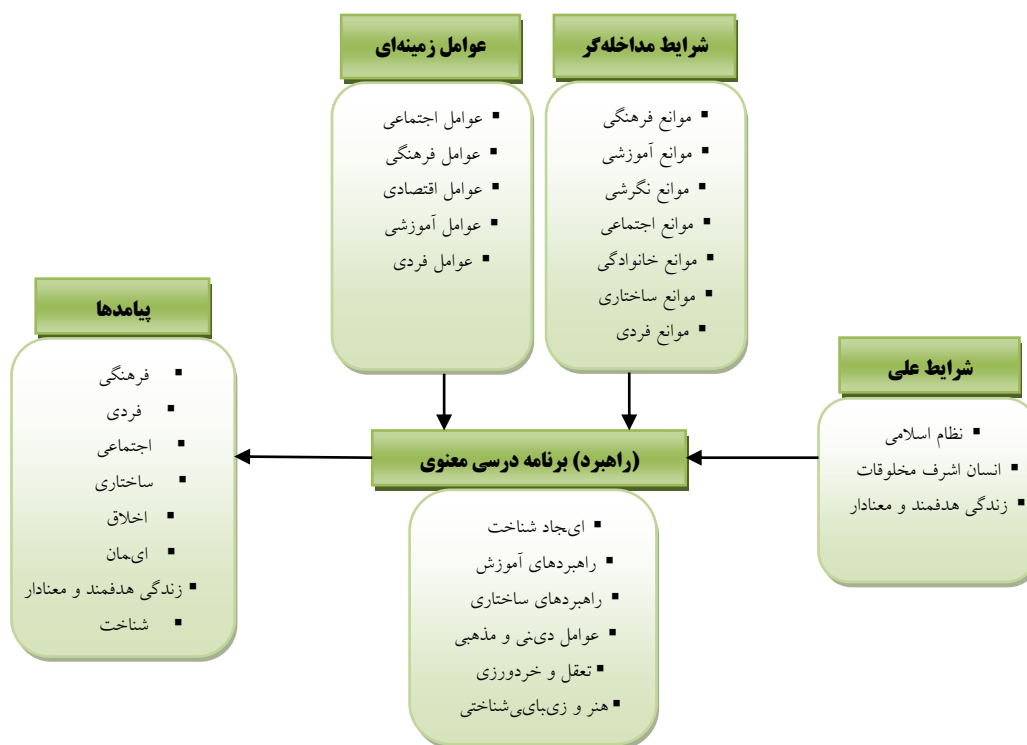
در خصوص تناقض بین حرف و عمل در جامعه، مصاحبه‌شونده‌ای بیان می‌کند: " تناقض بین حرف و عمل در جامعه به عنوان یکی از موانع مهم در اجرای برنامه‌درسی معنوی است. زیرا خانواده یک چیز را برای دانش‌آموز بیان می‌کند و مدرسه چیز دیگری را و این دانش‌آموز را دچار سردرگمی و دوگانگی می‌کند و این یعنی تفاوت حرف و عمل.

پیامدهای به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی

پیامدها، نتایجی است که در اثر راهبردها پدیدار می‌گردد. پیامدها نتایج و حاصل کنش‌ها و واکنش‌ها هستند (بازرگان، ۱۳۸۷). بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران، از جمله پیامدهای به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی عبارت از «پیامدهای فرهنگی» (بصیرت‌افزایی و تعمیق باورهای دینی در دانش‌آموزان)، «پیامدهای فردی» (خودشکوفایی انسان (رشد و تعالی شخصیت و حرکت به سمت کمال)، ایجاد انگیزه، رفع نیازهای انسان، تأمین سلامت فیزیکی و روحی، خودراهبری و استقلال، افزایش اعتماد به نفس)، «پیامدهای اجتماعی» (استحکام خانواده، کارگروهی و مشارکت کردن و تقویت قدرت ارتباط موثر با دیگران)، «پیامدهای ساختاری» (همسو شدن سیاست‌گذاری‌ها با معلم و کتاب درسی)، «اخلاق» (پایبندی به ارزش‌ها و اخلاق اسلامی، احترام به حقوق دیگران و نوع‌دوستی، مسئولیت‌پذیری، توجه به عدالت خواهی، احساس آرامش و کنترل خشم، رسیدن به حیات طیبه و قرب الهی، توجه به گذشت، صبر و تحمل، شهادت و ایثار، دلسوزی و شفقت، توجه به صداقت، تواضع نفس و انضباط کاری و حفظ محیط زیست)، «ایمان» (اعتقاد دانش‌آموزان به خدا و توحید، نبوت و ائمه معصومین (ع)، معاد، وحی و عالم غیب، تسلیم و بندگی خدا، تقوا و فاصله گرفتن از مادیات و توجه به ماورا)، «زندگی هدفمند و معنادار» (معنادار شدن و هویت بخشی به زندگی) و «شناخت» (کشف فطرت خداجوی انسان، نیل به خودشناسی - خداشناسی - دیگرشناسی و هستی‌شناسی و کشف حقایق) می‌باشد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص رسیدن به حیات طیبه و قرب الهی می‌گوید: "آرامشی که در قرآن مدنظر است رسیدن به قرب الهی یعنی متصل شدن به صفات الهی است. قرب به خدا، قرب زمان و مکان نیست که بگوییم در جایی هست و در جایی نیست. یعنی رنگ خدا گرفتن که متصل شدن به صفات الهی است". همچنین در زمینه حفظ محیط زیست مصاحبه‌شونده دیگری اظهار می‌دارد: "کسی که خدا باور است در دنیا خدا را همه جا حاضر می‌بیند. دروغ نمی‌گوید. دزدی نمی‌کند. سرکشی نمی‌کند. درختی را از بین نمی‌برد. به حیوانات آسیب نمی‌زند و رفتارهای بیمارگونه ندارد. کسی که محیط‌زیست را از بین می‌برد اصلاً خدا را دوست ندارد".

پس از بررسی و واکاوی دقیق متن مصاحبه‌ها، انجام کدگذاری باز و محوری و تعیین مقوله‌های اصلی و ابعاد برنامه درسی معنوی، در ادامه فرآیند تحقیق با یکپارچه‌سازی و در کنار هم قرار دادن فرضیه‌ها و گزاره‌های به دست آمده و بر اساس مدل پارادایمی استراوس و کوربین (۱۳۹۰) مدل تحقیق استخراج گردید. نظریه حاصل از چنین فرایندی در اطراف مقوله هسته‌ای متمرکز می‌شود. بر اساس روابط به دست آمده، مفاهیم حاصل از کدگذاری باز و محوری و پیوند این مفاهیم در قالب یک مدل (کدگذاری انتخابی)، مدل حاصل از پژوهش به شکل زیر استخراج و ارائه گردید.



شکل (۲) مدل کیفی تحقیق: برنامه‌درسی معنوی (با استفاده از نظریه داده‌بنیاد)

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور ارائه مدل برنامه‌درسی معنوی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد انجام گرفته است. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه با ۱۴ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران برنامه‌ریزی درسی جمع‌آوری گردید. از آنجا که نظام آموزشی کمتر به بعد معنوی انسان توجه کرده و بیشتر به تربیت انسان مادی پرداخته است و از طرفی توجه به بعد معنوی برای تکامل و تعالی انسان ضروری می‌باشد، بنابراین مناسب‌ترین راه برای پرورش این بعد از طریق نظام آموزشی و عنصر برنامه‌درسی است. بنابراین تدوین مدل برنامه‌درسی معنوی ضروری به نظر می‌رسد.

شکل‌گیری و فعلیت بخشیدن به هر برنامه‌درسی متأثر از نوع تفسیر و منطقی است که عاملان برنامه‌درسی درباره آن دارند. زیرا این دو مفهوم به عنوان مفاهیم بنیادین به شکل‌گیری دیگر اجزای برنامه‌درسی کمک می‌کنند. به نظر

می‌رسد در کشور ما به دلیل اینکه نظام حاکم بر جامعه، نظام اسلامی می‌باشد بنابراین نگاه دینی و مذهبی در کل فعالیت‌های جامعه قابل مشاهده است و این سبب شده که بار مذهبی و دینی بیشتر از بار زیبایی‌شناسی باشد. این در حالی است که یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که توجه و بکارگیری مفهوم هنر و زیبایی‌شناسی و ابزارهای مبتنی بر آن می‌تواند آموزش مسائل معنوی را تسهیل نماید. امری که شاید به طرق دیگر به سختی امکان‌پذیر باشد. یافته‌های این پژوهش همسو با صابری و سعیدی‌رضوانی (۱۳۹۱) که عقیده دارند اوج مفهوم زیبایی‌شناسی به زیبایی مطلق یعنی خداوند بر می‌گردد و گرایش به زیبایی ریشه فطری داشته و بر این اساس هنر و خلق آثار هنری جلوه بارز زیبایی است، توجه به هنر و زیبایی‌شناسی را یکی از مؤلفه‌های تربیت معنوی عنوان می‌کند. همسو با این یافته‌ها شمشیری، رحیمیان و تجلی‌اردکانی (۱۳۹۸) در بررسی رویکرد سید حسین نصر در برنامه‌درسی تربیت معنوی دریافتند که این رویکرد توجه بیشتری به زیبایی‌شناسی، اخلاق، حیطة عاطفی، عشق و جوهره دین دارد و متضمن تعلیم و تربیت کثرت‌گراست. بنابراین ادبیات تحقیق و یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اهمیت مؤلفه هنر و زیبایی‌شناسی در تربیت معنوی به حدی است که اگر به درستی درک، برنامه‌ریزی و اجرا شود می‌تواند خلاء سایر عوامل را تا حدودی جبران نماید. در بررسی دقیق‌تر مفهوم هنر و زیبایی‌شناسی به این نتیجه می‌رسیم که یکی از مؤلفه‌های مرتبط با تربیت هنری و زیبایی‌شناسی، مفهوم نمادها است. نمادها به شکل بیان نمادین و در قالب رنگ، شکل، صدا و به اشکال عینی، تمثیلی و ذهنی در آیات قرآن در معنایی غیرظاهری مثل ایمان، صبر و گذشت به کار رفته‌اند. از طرفی استفاده از هنرهای بصری مثل رنگ، گل و زیبایی‌های طبیعت، در تلفیق با هنرهای دیگر می‌تواند در تربیت دینی مؤثر باشد. بنابراین به نظر می‌رسد استفاده از هنر و زیبایی‌شناسی در آموزش معنویت بسیار حائز اهمیت باشد.

از نگاه پاینار تربیت یک مفهوم وسیع است که تمامیت شخصیت وجودی افراد را در بر می‌گیرد. به این معنا که تربیت در زمینه " رشد ابعاد فکری و روانی - اجتماعی افراد " صحبت می‌کند، تمرکز بر " جسم و احساس " یادگیرنده دارد و آن‌ها را بر مطالعه موضوع درسی ترجیح می‌دهد؛ و به طور کلی بر تجربه بازسازی و تحول درونی تاکید دارد. این ایده نقطه عطفی در مطالعات برنامه درسی، ایجاد کرد و تمرکز را به سمت بازسازی درونی افراد به کمک برنامه درسی هدایت کرد (موریلو، ۲۰۱۸). فعلیت یافتن تربیت علاوه بر تدارک مقدمات نیازمند توصیفی از یک مقصد ورای زندگی زمینی و گشاده‌تر از محدودیت‌های آن برای حرکت و عمق بخشیدن به خود درونی است. پاینار به مفهوم معنویت اشاره می‌کند که مقصدی ابدی دارد. بنابراین همانگونه که از مصاحبه با خبرگان نیز برداشت شد، از آنجایی که انسان دارای دو بعد جسمانی و روحانی بوده، لذا برنامه‌درسی معنوی برای تربیت و رشد همه‌جانبه افراد بوده و سبب خودشکوفایی و رشد و تعالی شخصیت دانش‌آموزان می‌شود و آن‌ها را به سمت کمال سوق می‌دهد.

طبق نظر صاحب‌نظران، برنامه‌درسی معنوی باید از نگاه خطی و تجویزی فاصله بگیرد تا بتواند تحولی عظیم را در معنویت بوجود بیاورد. به بیان بارنت (۲۰۰۹) برای حرکت به سمت تحول درونی نیازمند برنامه درسی با ویژگی تحولی هستیم. پژوهشگران برنامه درسی پست مدرن از آن تحت عنوان برنامه درسی تحولی یاد می‌کنند که به دنبال خلق فرایند مشارکتی حل مسأله است. نتایج این تحقیق نیز نشان می‌دهد که تمرکز برنامه درسی معنوی بر دانش‌آموز و مدرسه کافی نیست و رویکرد برنامه درسی موجود باید تغییر کند. دامنه شمول برنامه درسی نوین باید خانواده، معلم، محیط تحصیل و تربیت معلم، سیاست‌گذاران آموزشی، صدا و سیما، اینترنت و فضای مجازی را در بر گیرد. از بین موارد ذکر شده نقش معلم بسیار پر رنگ‌تر است. از آنجایی که در تاریخ مطالعات برنامه درسی تمرکز عمده نظریه‌های مطرح بر معلم و برنامه درسی بوده است و کمتر به مدرس و نقش او پرداخته شده است، لذا از این جهت برای اجرای برنامه‌درسی معنوی همانطور که صاحب‌نظران این حوزه معتقدند باید از معلمان آموزش دیده و با سابقه استفاده نمود.

¹⁰ . Murillo

چرا که اگر معلم آموزش لازم را ندیده باشد و خود به معنویت و برنامه‌درسی معنوی ایمان نداشته باشد، هرگز نمی‌تواند معنویت را به دانش‌آموزان منتقل کند.

صاحب‌نظران برنامه‌درسی معتقدند که اجرای برنامه‌درسی معنوی منجر به بروز اخلاق اسلامی پسندیده می‌گردد. از طرفی با توجه به اینکه برنامه‌درسی معنوی به تعقل و خردورزی و آگاهی انسان تأکید می‌کند، این باعث شده که انسان از سایر موجودات متمایز شده و ارزش والایی داشته باشد و به عنوان اشرف مخلوقات شناخته شود. به گفته عباباف و پاینار (۱۳۹۸) نگاه پداگوژی تحولی و ساخت معنا مستلزم طی کردن مراحل بسیار پیچیده و طاقت فرسا است که نیازمند مقدماتی است. از جمله می‌توان به اعمال نگاه پداگوژی نظری -اندیشه ورزی، انتقادی -چند صدایی، و معنویت اشاره کرد. این نگاه‌ها بر پرورش ذهن تئوریک، منطقی، تحلیل گر و تفسیر گر مبتنی بر استدلال برای به نقد کشیدن ایده‌ها و نقد پذیری تأکید دارد. تحقق چنین امری مستلزم آن است که همه فاعلان پداگوژی به مطالعه افکار و اندیشه‌های گوناگون بپردازند. علاوه بر این مستلزم فرهنگ گفتمان و ظرفیت پذیرش همدیگر همان‌گونه که هستیم و پذیرش تفاوت‌ها به عنوان یک واقعیت، فرهنگ در کنار هم بودن و به خود و دیگری اعتماد داشتن، بیان صادقانه احساسات و افکار، و رعایت اصول اخلاق همزیستی است. اگر چنین فضای فرهنگ گفتمانی حاصل شد زمینه شنیدن همه صداهای گوناگون در کلاس‌های درس فراهم می‌شود و همه وارد دایره می‌شوند و در مرکز آن قرار می‌گیرند. این همان عدالت در یادگیری و عدالت در تربیت است (ص ۲۴).

از نگاه صاحب‌نظران برنامه‌درسی معنوی، از راهبردهایی که می‌توان در جهت رشد معنوی فراگیران استفاده کرد این است که در کنار معرفی دین اسلام، به معرفی سایر ادیان نیز پرداخته شود. به نظر پست‌مدرنیست‌ها، تعلیم و تربیت آرمانی تعلیم و تربیتی است که تاب تحمل شنیدن صداهای دیگر بجز صدای فرهنگ مسلط را داشته باشد (آل حسینی و باقری، ۸۸).

یافته‌های این پژوهش حاکی از ۵ بعد اساسی برای برنامه‌درسی معنوی می‌باشد که عبارت از شرایط علی شامل ۳ مقوله کلی (نظام اسلامی، انسان اشرف مخلوقات و زندگی هدفمند و معنادار)، عوامل و شرایط بستر در ۵ مقوله اصلی و ۱۲ مقوله فرعی (عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و فردی)، راهبردهای به‌کارگیری برنامه‌درسی معنوی در قالب ۶ مقوله اصلی و ۲۶ مقوله فرعی (ایجاد شناخت، راهبردهای آموزشی، ساختاری، تعقل و خردورزی، هنروزیبایی‌شناسی و عوامل دینی و مذهبی)، شرایط مداخله‌گر در قالب ۱۹ مقوله فرعی و ۷ مقوله اصلی شامل (موانع فرهنگی، آموزشی، نگرشی، اجتماعی، خانوادگی، ساختاری و موانع فردی) و پیامدهای به‌کارگیری برنامه‌درسی در قالب ۸ مقوله اصلی و ۲۹ مقوله فرعی (پیامدهای فرهنگی، فردی، اجتماعی، ساختاری، اخلاق، ایمان، زندگی هدفمند و معنادار و شناخت) می‌باشند.

نتایج این تحقیق با تحقیق حق نظری و مرادی یوسفوند (۱۳۹۸)، میرزایی و دلیر صف آرای اخگر (۱۳۹۷)، تمدنی جهرمی و همکاران (۱۳۹۷)، امین خندقی و همکاران (۱۳۹۷)، شمشیری و همکاران (۱۳۹۸) و حافظی و همکاران (۱۳۹۸) مطابقت دارد.

از منظر تعداد مؤلفه‌های شناسایی شده برنامه‌درسی معنوی، نتایج این پژوهش با یافته‌های تحقیق تمدنی جهرمی و همکاران (۱۳۹۷) در ۱۶ مؤلفه نقطه اشتراک دارد که عبارتند از توجه به فضا و امکانات، نقش معلم، نقش برنامه‌درسی، حاکمیت اسلامی، نقش خانواده، رسانه و نهادهای غیردولتی، نقش جامعه؛ بهبود دانش و تخصص و نگرش معلمان، فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم، ارتقای برنامه‌ها، رسیدن به حیات طیبه، استفاده از معلمان کارآزموده، زیباسازی، نشاط و پرورش همه جانبه. همچنین با تحقیق امین خندقی و همکاران (۱۳۹۴) در ۱۳ مؤلفه مطابقت دارد که شامل محدود نکردن معنویت به یک درس خاص، تلقی دروس دینی به عنوان دروس بیهوده، آموزش و سابقه برخی از معلمان، از بین رفتن ارزش‌ها، ایجاد انگیزه، رفع نیازهای انسان، استفاده از برنامه‌درسی تلفیقی، استفاده از فناوری‌های نوین در برنامه‌درسی معنوی، هویت بخشی و معناداری زندگی افراد، انتخاب معلمان همسو با برنامه‌درسی و

تربیت اسلامی، آموزش معلمان، تناسب ارزشیابی با محتوای برنامه‌درسی معنوی، تجدیدنظر در سیستم آموزشی و کتب درسی.

مؤلفه‌های توجه به فطرت انسان، دعوت دانش‌آموزان به تفکر و تعقل، توجه به عقل به عنوان پیامبر بیرونی، توجه به اصول دینی، ایجاد زمینه عشق به خدا، توجه به هنر و زیبایی‌شناسی، آموزش بر اساس انس و الفت، نقش معلم، بصیرت‌افزایی و تعمیق باورهای دینی، دلسوزی و شفقت، پرهیز از تعصب، اخلاق، تقوا، دعا و نیایش، خودشکوفایی، توجه به صداقت، صبر و تحمل، آشنایی با مفاهیم صلح و بعد روحانی انسان، از جمله مفاهیم مشترک پژوهش‌شمشیری و همکاران (۱۳۹۸) با تحقیق حاضر می‌باشد.

همچنین در تحقیق میرزایی و دلیر صف‌آرای اخگر (۱۳۹۷) ۱۲ مؤلفه شامل اعتقاد به خدا و توحید و معاد، توجه به عقل به عنوان پیامبر بیرونی، ایمان، نظام اسلامی، بصیرت‌افزایی و تعمیق باورهای دینی، هویت بخشی و معناداری زندگی افراد، احساس آرامش، رشد و تعالی انسان، دعوت دانش‌آموزان به تفکر و تعقل، نقش رسانه و عوامل آموزشی با تحقیق حاضر مطابقت دارد.

در تحقیق مرادی و همکاران (۱۳۹۳) مؤلفه‌های رسیدن به حیات طیبه و قرب الهی، شناخت خود، دیگران و جهان هستی، ایجاد زمینه عشق به خدا و استفاده از برنامه‌درسی تلفیقی با این تحقیق همسو می‌باشد.

تحقیقات ایزدی و همکاران (۱۳۹۳)، نجفی و همکاران (۱۳۹۴)، محمدی و همکاران (۱۳۹۶)، یامچی (۱۳۹۱) صفرزاده (۱۳۹۵)، ادیب منش و همکاران (۱۳۹۷) در رابطه با مؤلفه‌های اخلاق و هنر و زیبایی‌شناسی و تعقل و تفکر با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد.

علاوه بر مؤلفه‌های ذکر شده در تحقیقات فوق، این پژوهش مؤلفه‌های دیگری را به ادبیات برنامه‌درسی معنوی افزوده است که برخی از این مؤلفه‌ها منحصر به فرد بوده و می‌تواند برخی از زوایای پنهان برنامه‌درسی معنوی را آشکار کند. این عوامل عبارتند از توجه به ارزش والای انسان، نقش محافظتی دین از آسیب‌های اجتماعی، نقش گروه همسالان، فرهنگ و نژادهای مختلف، نقش برنامه‌درسی پنهان، عوامل اقتصادی، ایجاد نگاه خوب نسبت به دین، معرفی دقیق و کامل اسلام به خصوص زیبایی‌های دین به فرزندان، توجه به تجربه‌گرایی و ایجاد حس کنجکاوی، معرفی سایر ادیان در کنار دین اسلام، آموزش والدین و بزرگسالان، گنجاندن برنامه‌درسی معنوی در باور دست‌اندرکاران، عدم افراط و تفریط در حوزه معنویت، تأمین سلامت فیزیکی و روحی، افزایش اعتماد به نفس، استقلال، خودراهبری، استحکام خانواده، تعارض بین خانه و مدرسه، مباران اطلاعاتی از طریق فضای مجازی، برنامه‌های ماهواره ای و موج جهانی شدن، تناقض بین حرف و عمل در جامعه، استفاده ابزاری از دین برای منفعت خود، نداشتن دیدگاه جامع در تفسیر معنویت، توجه به ابزارها به جای اصول (جابجایی هدف و وسیله)، وجود برنامه‌های درسی آرمان‌گرایانه و ایده‌آل، ضعف برخی خانواده‌ها در اعتقاد و باور به مسائل دینی و معنوی، عدم هماهنگی بین نهادهای متولی، تمرکز زیاد بر کودکان و عدم توجه به بزرگسالان و مقاومت فراگیران.

با توجه به نتایج پژوهش و به منظور تکمیل و توسعه دست‌آوردهای علمی و عملی پیشنهادهایی به شرح ذیل مطرح می‌شود:

در تدوین برنامه‌درسی معنوی مقوله‌های استخراج شده از این تحقیق مدنظر قرار گرفته و جهت موفقیت در تدوین و اجرای برنامه‌درسی معنوی به ابعاد علی، شرایط زمینه‌ای، راهبرد، شرایط مداخله‌گر و پیامدهای آن توجه ویژه شود. چرا که فقدان هر یک از ابعاد یاد شده باعث می‌شود برنامه‌درسی معنوی در یکی از مراحل تدوین، اجرا و ارزشیابی با شکست مواجه شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود مدل استخراج شده از این تحقیق با مدل‌های برنامه‌درسی معنوی موفق در سایر کشورهای اسلامی مقایسه و تطبیق داده شود تا در صورت نیاز ضعف‌های احتمالی مدل برطرف گردد.

منابع

- ابراهیم کافوری، کیمیا؛ ملکی، حسن و خسرو بابادی، علی اکبر (۱۳۹۴). بررسی نقش عناصر برنامه درسی کلاین در افت تحصیلی درس ریاضی سال اول دوره متوسطه از دیدگاه شرکای برنامه درسی. پژوهش در برنامه ریزی درسی. سال ۱۲. شماره ۱۷: ۶۳-۵۰.
- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۱). پژوهش کیفی از نظریه تا عمل. تهران: انتشارات نشر علم.
- استراوس، انسلم. کربین، جولیت (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه: ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- آل حسینی، فرشته و باقری، خسرو (۱۳۸۸). تأملی بر کثرت‌گرایی بنیادی لیوتار و پیامدهای آن برای تعلیم و تربیت. فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۹۲: ص ۷۸-۵۳.
- امیری، مهدی؛ پرتابیان، اکبر و امیری، زهره (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی عوامل و عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی با قرآن کریم. اسلام و پژوهش‌های تربیتی. سال ۶. شماره ۲: ص ۱۱۸-۹۷.
- امینی، محمد؛ ماشاللهی نژاد، زهرا (۱۳۹۲). تأملی بر جایگاه و چگونگی توجه به پرورش معنویت در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی. دو فصلنامه تربیت اسلامی، ۸- (۱۶): ص ۲۹-۷.
- اوجی نژاد، احمد رضا؛ یارمحمدیان، محمدحسین و قلناش، عباس (۱۳۹۴). برنامه درسی و تربیت معنوی. مرودشت: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- ایزدی، صمد؛ قادری، مصطفی؛ حسینی، فاطمه (۱۳۹۳). امکان‌سنجی اجرای برنامه‌درسی با رویکرد معنوی در دوره متوسطه. فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال یازدهم، دوره دوم، شماره (پیاپی ۴۱)، ص ۵۰-۳۴.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته. تهران: انتشارات دیدار.
- پروین یامچی، حسین (۱۳۹۱). بررسی میزان انعکاس مؤلفه‌های برنامه‌درسی معنوی در کتب درسی ادبیات فارسی پایه سوم دوره متوسطه در سال ۹۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند.
- پیری توسنلو (۱۳۹۴). برنامه درسی معنوی (ابزاری به سوی آموزش و پرورش شاد و سلامت روان)، ناشر: توسعه علوم.
- جمشیدی خورشید، اصغر؛ صفری مطلق، حمید و پرچی شایسته، حمید (۱۳۹۲). بررسی و تبیین رویکرد پسا ساختارگرایی. تحول در برنامه درسی. چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران. مشهد: فردوسی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
- دیانتی، زهرا (۱۳۹۷). روش تحقیق در حسابداری راهنمای عملی برای نگارش پایان‌نامه و مقاله، تهران، انتشارات عدالت نوین.
- رضائی کلانتری، مرضیه، حسینی درونکلایی، سیده زهرا و صالحی، محمد (۱۳۹۵). رازگشایی برنامه‌درسی معنوی. مازندران، قائم‌شهر: انتشارات مهرالنبی، چاپ اول.
- زارع‌صفت، صادق و حکیم زاده، رضوان (۱۳۹۴). نگاه فرانوگرایان به برنامه‌درسی و شناسایی عوامل مغفول آن‌ها با تأکید بر آموزه‌های اسلامی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۲۶، ص ۸۵-۱۰۳.
- شاملی، عباسعلی؛ ملکی، حسن و کاظمی، حمیدرضا (۱۳۹۰). برنامه درسی ابزاری برای نیل به تربیت اخلاقی. اسلام و پژوهش‌های تربیتی. س ۳. ش ۲: ۹۳-۷۷.
- صابری، رضا و سعیدی‌رضوانی، محمود (۱۳۹۱). کاربرد زیبایی‌گرایی و هنر در تربیت دینی. دوفصلنامه علمی- پژوهشی تربیت اسلامی، س ۷، ش ۱۵. ص ۱۳۴-۱۱۳.
- عباباف، زهره و پاینار، ویلیام (۱۳۹۸). تأملی بر فهم برنامه درسی و پداگوژی از نگاه مدرسان: مطالعه موردی دپارتمان برنامه درسی و پداگوژی دانشگاه بریتیش کلمبیا. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۱۰، شماره ۲۰، ص ۶۵-۵۸.
- قاسم پور دهاقانی، علی؛ نصر اصفهانی، احمدرضا (۱۳۹۱). رویکرد معنوی و برنامه ریزی درسی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال نوزدهم، دوره جدید، شماره ۱۳، ص ۹۲-۷۱.
- قاندی، یحیی (۱۳۸۵). تربیت شهروند آینده. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۵ (۱۷)، ص ۱۸۳-۲۱۰.

کرسول، جرج دبلیو (۱۳۹۷). طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی (ترجمه علیرضا کیامنش). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی (دانشگاه علامه طباطبایی).

مرادی، مسعود؛ سیدکلان، میرمحمد؛ عیاری، لیلا (۱۳۹۳). طراحی الگوی برنامه‌درسی معنوی در راستای تربیت زمینه ساز؛ راهبردها و راهکارهای اجرایی. فصلنامه علمی ترویجی پژوهش‌های مهدوی، ۳(۹): ص ۱۱۸-۱۳۸.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). آزادی معنوی. تهران: انتشارات صدرا.

ملکی (۱۳۹۸)، برنامه‌درسی با رویکرد قرآنی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

ملکی، حسن (۱۳۹۶). هویت دینی برنامه درسی. تهران: انتشارات آبیژ.

میرزاخانی، مهدی (۱۳۹۱). ارزش و جایگاه معنویت در قرآن و دلالت‌های برنامه‌درسی بر مبنای آن. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

نجفی، حسن (۱۳۹۴). تبیین ابعاد و مؤلفه‌های رشد معنوی انسان و تحلیل آن در محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران. رساله دکتری مطالعات برنامه‌درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

نجفی، محمد و کشانی، مهدیه (۱۳۸۸). برنامه درسی معنوی برای دستیابی به تربیت دینی. مقالات برگزیده همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، نوشته جمعی از نویسندگان، انتشارات امام خمینی(ره).

وفائی، رضا؛ ملکی، حسن و علیپور، میکائیل (۱۳۹۶). بررسی جایگاه عناصر برنامه‌درسی در دیدگاه پست مدرن و نقد آن از دیدگاه مبانی تعلیم و تربیت اسلامی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۳۵، ص ۶۹-۹۰.

- Barnett, Ronald (2009). Knowing and becoming in the higher education. Studies in Higher Education. <https://doi.org/10.1080/03075070902771978>.
- Buchanan, M. (2010). Attending to the spiritual dimension to enhance curriculum change. Journal of Beliefs and Values: Studies in Religion & Education. 31: 191-201.
- Clifford P. (2013). Moral and spiritual education as an intrinsic part of the curriculum. Int J Children Spirit, 18(3): 268-80.
- Nasrollahi, Zahra; Eskandari, Narges; Rezaei Adaryani, Mohsen and Haji Rahimian Tasuji, Mohammad Hasan (2020). Spirituality and effective factors in education: A qualitative study, Journal Of Education and Health Promotion, Published online, pp 9-52.
- Rojas, R. (2002). Management Theory and Spirituality: A Framework and Validation of the Independent Spirituality Assessment Scale, DBA, Dissertation, Argosy University/Sarasota.
- Ronald V, Ainnone, Patricia a, Obenauf (1995). Toward Spirituality in curriculum and teaching. MHT
- Soleymanpour. J (2014), Analyze of Spiritual Curriculum Status in Primary School of Mazandaran Province_Iran, Kuwait Chapter of Arabian Journal of Business and Management Review Vol. 3, No.12, pp. 177-184.
- Wanser, et al (2005). Effecte of spiritual care training for palliative care professionals. Published by: SAGE. pp 99-104.
- Wu, L., Tseng, H., & Liao, Y. (2016). Nurse education and willingness to provide spiritual care. Nurse Education Today, 38, 36-41.
- Thomas F. McGovern, Terry. McMahan, Jessica. Nelson, Regina. Bundoc-Baronia, Chuck. Giles and Vanessa. Schmidt (2017). A Descriptive Study of a Spirituality Curriculum for General Psychiatry Residents: Academic Psychiatry, 41:471-476, DOI 10.1007/s40596-017-0687-3.
- Sahin, M.C. (2009). Instructional design principles for 21 st century learning skills. Procedia Social and behavioral Science, 1, 1464-1468. Doi: 1016/j.sbspro.2009.01.258.